



خنده

خنده از حالات شخص است که در هنگام شادی بروز می‌کند. از احکام آن در بابهای طهارت، صلات، حج و کفارات سخن گفته‌اند.

فهرست مندرجات

- ۱ - معنای خنده
- ۲ - احکام خنده
- ۳ - پانویس
- ۴ - منبع

معنای خنده

خنده حالتی در چهره، ناشی از شادی، رضایت یا تمسخر است.

احکام خنده

تبسم و لبخند مستحب است و در روایات آمده است: «خنده مؤمن تبسم است»؛

[۱] وسائل الشیعة ج ۱۲، ص ۱۱۴-۱۱۵.

چنان که لبخند زدن بر چهره مؤمن

[۲] وسائل الشیعة ج ۱۲، ص ۱۲۰.

و هم سفران

[۳] جواهر الکلام ج ۱۸، ص ۱۶۸.

استحباب دارد.

خندیدن با صدای بلند (فقهه) کراهت دارد و مستحب است پس از آن به جهت کفاره بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تَمَقُّتَنِي؛ خدایا بر من خشم مگیر».

[۴] وسائل الشیعة ج ۱۲، ص ۱۱۴-۱۱۵.

[۵] وسائل الشیعة ج ۲۲، ص ۴۰۳-۴۰۴.

[۶] جواهر الکلام ج ۳۳، ص ۱۹۲.

زیاد خندیدن و خنده بی جهت

[۷] وسائل الشیعة ج ۱۲، ص ۱۱۵-۱۱۶.

و نیز خندیدن در تشییع جنازه

[۸] جواهر الکلام ج ۴، ص ۲۷۰.

و گورستان

[۹] الحدائق الناضرة ج ۴، ص ۲۷۰.

[۱۰] ذکری الشیعة ج ۲، ص ۴۱.

مکروه است.

خنده صدا دار (فقهه) در نماز از روی عمد موجب بطلان آن است؛ هرچند از روی اضطرار باشد. خنده از روی سهو موجب بطلان نماز نمی‌گردد؛

[۱۱] جواهر الکلام ج ۱۱، ص ۵۲-۵۳.

[۱۲] الحدائق الناضرة ج ۹، ص ۳۸-۳۹.

چنان که تبسم نیز نماز را باطل نمی‌کند؛

[۱۳] جواهر الکلام ج ۱۱، ص ۵۴۰.

هرچند بنا بر تصریح برخی، مکروه است.

[۱۴] الروضة البهیة ج ۱، ص ۶۵۲.

[۱۵] ذکری الشیعة ج ۴، ص ۱۲.

برخی مطلق خنده- جز تبسم- در نماز را، هرچند بی صدا باشد، موجب بطلان آن دانسته‌اند. در مقابل، برخی، صرف با صدا بودن خنده- بدون فقهه یا بلند بودن صدا- را موجب بطلان ندانسته‌اند. برخی نیز در عدم بطلان نماز به فقهه سهوی اشکال کرده‌اند. برخی، فقهه سهوی را در صورت محو صورت نماز با آن موجب بطلان نماز دانسته‌اند.

در بطلان نماز به فقهه تقدیری (مالامال شدن شکم از خنده و بر افروخته گشتن چهره بدون اظهار صدای آن) اختلاف است.

[۱۶] العروة الوثقی ج ۲، ص ۲۸-۲۹.

فقهه در نماز، وضو را باطل نمی‌کند؛ اما وضو گرفتن پس از آن مستحب است.

از برخی فدما بطلان وضو به آن نقل شده است.

[۱۷] جواهر الکلام ج ۱، ص ۲۲.

[۱۸] التنقیح (الطهارة) ج ۳، ص ۵۰۴.

[۱۹] التنقیح (الطهارة) ج ۳، ص ۵۰۶.

پانویس

۱. ↑ وسائل الشیعة ج ۱۲، ص ۱۱۴-۱۱۵.
۲. ↑ وسائل الشیعة ج ۱۲، ص ۱۲۰.
۳. ↑ جواهر الکلام ج ۱۸، ص ۱۶۸.
۴. ↑ وسائل الشیعة ج ۱۲، ص ۱۱۴-۱۱۵.
۵. ↑ وسائل الشیعة ج ۲۲، ص ۴۰۳-۴۰۴.
۶. ↑ جواهر الکلام ج ۳۳، ص ۱۹۳.
۷. ↑ وسائل الشیعة ج ۱۲، ص ۱۱۵-۱۱۶.
۸. ↑ جواهر الکلام ج ۴، ص ۲۷۰.
۹. ↑ الحدائق الناضرة ج ۴، ص ۲۷۰.
۱۰. ↑ ذکری الشیعة ج ۲، ص ۴۱.
۱۱. ↑ جواهر الکلام ج ۱۱، ص ۵۲-۵۳.
۱۲. ↑ الحدائق الناضرة ج ۹، ص ۳۸-۳۹.
۱۳. ↑ جواهر الکلام ج ۱۱، ص ۵۴۰.
۱۴. ↑ الروضة البهیة ج ۱، ص ۶۵۳.
۱۵. ↑ ذکری الشیعة ج ۴، ص ۱۲.
۱۶. ↑ العروة الوثقی ج ۳، ص ۲۸-۲۹.
۱۷. ↑ جواهر الکلام ج ۱، ص ۲۲.
۱۸. ↑ التنقیح (الطهارة) ج ۳، ص ۵۰۴.
۱۹. ↑ التنقیح (الطهارة) ج ۳، ص ۵۰۶.
۲۰. ↑ تحریر الوسيلة ج ۱، ص ۴۳۶.

منبع

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج ۳، ص ۵۱۱.